

روایت تپه «علی الطاهر»

ادعای ارتش صهیونیستی درباره کنترل تپه «علی الطاهر» در جنوب لبنان، بار دیگر واقعیت میدان و میزان تاب‌آوری مقاومت در برابر فشارهای نظامی صهیونیست‌ها را در کانون توجه قرار داد.

در پی اعلام ارتش رژیم مبنی بر کنترل عملیاتی بخشی از تپه علی الطاهر در جنوب لبنان، ابعاد و پیامدهای این تحول در میدان نبرد و وضعیت مقاومت لبنان، از زوایای مختلف قابل بررسی است. در ادامه، ۱۰ نکته تحلیلی و راهبردی درباره این موضوع می‌آید. ۱- بزرگنمایی و هیاهوی تبلیغاتی گسترده نتانیاهو درباره کنترل عملیاتی بر بخشی از تونل تپه علی‌الطاهر با هدف تأثیرگذاری در فضای انتخاباتی رژیم است، زیرا جامعه صهیونیست همچنان به‌ادعای تضعیف مقاومت ایمان و باور ندارد و نتانیاهو و کابینه جنگی او سخت در پی مستندنمایی و دستاوردسازی جدید هستند. ۲- تلاش چندماهه ارتش صهیونی برای تصاحب یک تپه با وجود اهمیت تاکتیکی آن با بهره‌گیری گسترده از سلاح‌ها، نیروها و سازمان‌های اطلاعاتی، نشان از چالش جدی در سیستم نظامی صهیونیست‌ها و خدشه بر اصل کلیدی «حمله برقی آسا» دارد و نظریه ژنرال «یگال یادین» از رؤسای سابق ستاد مشترک ارتش رژیم مبنی بر اینکه «سرعت اشغال اهداف، رابطه مستقیم با اهمیت و تأثیر آن در نتایج حاصله دارد» را مورد توجه قرار می‌دهد.

۳- استفاده رژیم از سلاح‌های نامتعارف به‌ویژه گلوله‌های فسفوری و بمب‌های خوشه‌ای برای کنترل بخشی از تپه علی‌الطاهر، توسل صهیونیست‌ها به روش‌های تروریستی برای عبور سریع ارتش صهیونیستی از بحران تاب‌آوری را اثبات می‌کند. ۴- امکان تثبیت موقعیت نظامیان صهیونیست در منطقه نبطیه با توجه به ۳ مولفه «تنوع جبهه‌های تهاجمی علیه رژیم»، «ختلاف رویکرد نظامیان و سلباسیون صهیونیست» و «قبض محیط در زمستان» بسیار سخت خواهد بود و نظامیان رژیم را در قبال کنش‌های نامتقارن حزب‌الله در موقعیت واکنش و آسیب قرار خواهد داد.

۵- همراهی دولت غربگرای لبنان با دشمنان مقاومت در اوج فشار و تهاجمات سخت، تاب‌آوری حزب‌الله را به صورت طبیعی دچار چالش کرده و امکان رویکرد تهاجمی و پیاده‌سازی قدرت نامتقارن مقاومت در جغرافیای اشغالی منطقه را پیچیده کرده است. مقاومت لبنان به اجبار در کنار مهار بحران بیرونی، در صدد مدیریت بحران داخلی نیز است.

۶- ایستادگی بیش از ۵ ماهه نیروهای مجاهد حزب‌الله لبنان در برابر حجم نابرابر آتش دشمن در منطقه نبطیه و تپه‌های علی‌الطاهر، ثبت رکورد جدید تاب‌آوری رزمندگان مقاومت به حساب می‌آید که بخشی از آن در کنار ایمان و استحکام شخصیت فرزندان غیور لبنانی، در قدرت پشتیبانی بی‌وقفه نیروی قدس سپاه و رویکرد مستشاری فرماندهان برجسته آن نیز نهفته است.

۷- بر اساس تجربه جاری ناتوانی صهیونیست‌ها در مهر و حنف «حماس» و با توجه به تصاحب ۷۰ درصد خاک غزه توسط ۳ لشکر صهیونیستی به‌ویژه «سایبر متکل» و «سایبرت‌پالوم» (یگان‌های تکاوران ویژه و مهندسی ویژه)، تصاحب این نقطه مهم تاکتیکی در جنوب لبنان به فرض صحت نیز نمی‌تواند تحدید و مهار مقاومت لبنان را در پی داشته باشد.

۸- فراز و نشیب جنگ در روند دامنه‌دار آن و در کل جغرافیای نظامی منطقه غرب آسیا بر اساس تحلیل سطح کلان، با توجه به تهاجمات پیش‌برنده انصارالله یمن؛ پایداری حماس در فلسطین و انقباض تاکتیکی کنونی حزب‌الله در لبنان، نهایتاً انگاره جعلی «تضعیف مقاومت» را رد و باطل می‌کند، بلکه انگاره «قدرت ارتجاعی و کشمسانی مقاومت» را بیش از پیش به اثبات می‌رساند.

۹- «فقدن پارادایم مقاومت» در منازعات مجامع محاسباتی و سیاست‌گذاران امنیتی کشورهای اسلامی، عربی و لبنان با توجه به دور جدید توسعه‌طلبی خطرناک صهیونیست‌ها در نبطیه لبنان، می‌تواند از فرصت‌های بالقوه مقاومت باشد و با توجه به تقویت گرایشات عمده بازیگران منفعل در منطقه به تنش‌زدایی با اسرائیل، منطق مقاومت امکان غلبه و خودنمایی بیشتر در سطوح سیاست‌گذاران امنیتی را خواهد داشت.

۱۰- تحول فوری در الگوهای عملیاتی و باززادگی محور مقاومت با توجه به رویکردهای جدید نظامی آمریکا و رژیم در منطقه در قبال مقاومت، بیش از پیش ضروری به نظر می‌رسد و آزادسازی کامل جنوب لبنان و تپه‌های علی‌الطاهر را به نقطه عطف نظم امنیتی جدید تبدیل خواهد کرد.

در شبکه‌های اجتماعی



@vatanemrooz

بررسی بقایای مهمات، استفاده از بمب هدایت‌شونده آمریکایی در حمله به جشن عروسی کوهستک را تأیید می‌کند

اشتباه نبود، هدف‌گیری بود



بمب پس از رها شدن از جنگنده، با استفاده از سامانه‌های هدایت خود به سمت هدف حرکت می‌کند. در نسخه‌های مختلف این خانواده، سامانه‌های GPS و ناوبری اینرسیایی نقش اصلی را در هدایت ایفا و برخی مدل‌ها از جست‌وجوگر تصویربرداری فروسرخ برای مرحله پایانی استفاده می‌کنند.

نسخه AGM-154C نیز به سرچنگی چندمرحله‌ای BROACH مجهز است که برای درگیری با اهداف نقطه‌ای و حتی اهداف مستحکم طراحی شده است. نسخه C1 علاوه بر این قابلیت‌ها از پیوند داده برای دریافت اطلاعات هدف در طول پرواز برخوردار است.

به زبان ساده‌تر، با یک بمب معمولی طرف نیستیم که صرفاً از هوا رها شود و احتمالاً در محدوده‌ای نامعلوم فرود بیاید. فلسفه طراحی بمب JSOW دورایستانی، هدایت‌پذیری و اصابت دقیق به هدف تعیین‌شده است. حتی در تصاویر منتشرشده از شروع حملات سه‌شنبه‌شب ستک‌م به ایران نیز یک جنگنده «اف ۱۸ سوپرهورنت» دیده می‌شود که مهماتی از همین خانواده را حمل می‌کند

دکل از جای خود کنده شده و به سمت یک مغازه و ساختمان‌های مسکونی سقوط کرده‌اما در فاصله ۱۵۰ متری دکل، حمله دیگری به ساختمانی در منطقه مسکونی محل برگزاری مراسم عروسی رخ داده است.

همین فاصله نشان می‌دهد اساساً وقوع خطای انسانی و محاسباتی در هدف قرار دادن دکل، قابل پذیرش نیست.

مهم‌تر اینکه کنایمز تصاویر بقایای مهمات به‌جامانده در محل را با «تور بال» تکنیسین سابق خنثی‌سازی مواد منفجره ارتش آمریکا و تحلیلگر تسلیحات در میان گذاشت. او این بقایا را متعلق به اجزای یک بمب گلاйд‌مورد استفاده فرماندهی مرکزی آمریکا دانست؛ سلاحی که مشخصاً نیروهای مسلح ایران از آن استفاده نمی‌کنند. بررسی بقایای مهمات، احتمال استفاده‌از خانواده AGM-154 JSOW را مطرح کرد؛ که مهمات گلاйд دورایستان و هدایت‌شونده آمریکایی که برای حمله به اهداف از فاصله قابل توجه طراحی شده است.

JSOW بر خلاف بمب‌های ساده و غیرهدایت‌شونده، برای رسیدن به هدف، از مسیر برنامه‌ریزی‌شده استفاده می‌کند. این

پهلوی و گروه‌های اپوزیسیون خارج کشور، تقریباً از همان دقیق‌ نخست تلاش کردند روایت متفاوتی را جا ببندازند. در این روایت، به جای تمرکز بر مسؤولیت نیروی متجاوز و چرایی اصابت به یک منطقه مسکونی و غیرنظامی، انگشت اتهام به سمت نیروهای مسلح ایران نشانه رفت.

در جریان حمله تروریستی آمریکا به مدرسه شجره طیبه میناب در اولین ساعات جنگ نیز همین جریان در مقام تبریئه آمریکا برآمد و تلاش کرد مسؤولیت حادثه را به سمت ایران منحرف کند. همچنین در حمله به لامرد نیز همین الگو تکرار شد.

در میانه تلاش برای تطهیر قاتلان فرزندان ایران از سوی طرفداران ربع پهلوی، گزارش نیویورک‌تایمز جالب توجه حمله و این روزنامه با بررسی تصاویر و ویدئوهای مربوط به محل حمله و تطبیق آنها با بقایای مهمات، تلاش کرد نوع سلاح استفاده‌شده در حمله به کوهستک را مشخص کند.

بر اساس گزارش این روزنامه، حمله‌ای به یک دکل مخابراتی بزرگ در نزدیکی بندر کوهستک انجام شده است. پس از اصابت،



جنگ برای آمریکا ظاهراً یک قاعده روشن دارد: هر جا نیاز به ایجاد رعب و وحشت باشد، «جنگ دقیق» می‌تواند به خانه مردم، مدرسه، بیمارستان و حتی جشن عروسی برسد! حمله شامگاه سه‌شنبه هفته گذشته ارتش تروریست آمریکا به منطقه کوهستک در شهرستان سیریک استان هرمزگان، بار دیگر این پرسش را پیش روی افکار عمومی قرار داد: ادعای قدیمی آمریکا درباره پرهیز از هدف قرار دادن غیرنظامیان تا چه اندازه با واقعیت میدان جنگ تطابق دارد؟

در این حمله، مراسم عروسی یک خانواده ایرانی در حالی هدف قرار گرفت که حاضران در آن، نه نیروی نظامی بودند و نه در حال انجام فعالیت نظامی. نتیجه اما تبدیل شدن جشن به عزا بود؛ ده‌ها نفر شهید و زخمی شدند و در میان شهدا، «امیرعلی کریمی» کودک خردسال نیز حضور داشت.

ماجرای زمانی ابعاد جدی‌تری پیدا می‌کند که بدانیم برخلاف کاخ سفید و گروه‌های اپوزیسیون ایرانی که تلاش می‌کنند این جنایت را به یک اشتباه تقلیل دهند و حتی آن را انکار کنند، بررسی‌های منتشرشده از بقایای مهمات، از احتمال استفاده از یک مهمات دورایستانی هدایت‌شونده آمریکایی حکایت دارد؛ سلاحی که اساساً برای حمله دقیق به اهداف مشخص از فاصله دور طراحی شده است.

■ نخستین بار نیست

روابط عمومی کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز گذشته با انتشار اطلاعیه شماره ۹ خود، حمله به مراسم عروسی در کوهستک را نه یک حادثه منفرد، بلکه در امتداد سابقه‌ای طولانی از حملات جنایتکارانه آمریکا و نیروهای ائتلاف به مراسم‌های عروسی در کشورهای منطقه دانست.

در فهرست اعلام شده سپاه، به حمله اول جولای ۲۰۰۲ در افغانستان، حملات سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ در عراق، حملات سال ۲۰۰۸ در افغانستان، حمله سال ۲۰۱۲ در لوگر افغانستان و حمله سال ۲۰۱۵ در یمن اشاره شده است.

سپاه با یادآوری این فهرست جنایت‌های رژیم تروریست آمریکا، یک سؤال ساده اما اساسی را مطرح کرد: اگر واشگتن مدعی است ارتش آمریکا هیچ‌گاه غیرنظامیان را هدف قرار نمی‌دهد، پس چگونه در طول ۲ دهه گذشته بارها مراسم‌های عروسی در کشورهایی که آمریکا در آنها عملیات نظامی داشته، به صحنه کشتار غیرنظامیان تبدیل شده‌اند؟

حمله به کوهستک البته در خلأ اتفاق نیفتاد. آمریکا در جریان دور جدید عملیات نظامی خود علیه ایران، نقاط مختلفی را در جنوب و غرب کشور هدف قرار داد که این حملات با واکنش‌های گسترده در داخل و خارج ایران روبه‌رو شده است اما اصابت به محل برگزاری یک جشن عروسی، ابعاد جنایت آمیز حملات آمریکا را برجسته‌تر کرده است.

چهره‌ها و مقام‌های سیاسی مختلف در داخل کشور این حمله را محکوم کردند و آن را نمونه‌ای از رفتار توحش‌آمیز آمریکا در جنگ علیه ایران دانستند.

■ وقتی اپوزیسیون برای آمریکا سپهر می‌سازد

در سوی دیگر ماجرا، جریان بی‌وطن سلطنت‌طلب حامی

ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن پس از ۲۸۶ روز حضور در دریا با بدنه‌ای زنگ‌زده و خدمه‌ای خسته سر از تایلند در آورد

بازنده‌ها در پاتایا



■ **تایلند برای ملوانان آمریکایی خط قرمز کشید**
 آبراهام لینکلن روز چهارشنبه هفته گذشته در بندر لام‌چیانگ، در خلیج تایلند در جنوب بانکوک، پهلو گرفت؛ بندری که فاصله چندانی با پاتایا ندارد. این توقف قرار است چند روز ادامه داشته باشد و بخش مهمی از آن به استراحت خدمه اختصاص پیدا کند. در همین حال سالن‌های زیبایی پاتایا شاهد صف کشیدن ملوانان آمریکایی برای پدیکور و اقدامات بهداشتی بوده است اما همین حضور نیز بدون محدودیت و دردرس نبوده است. مقام‌های تایلند برای حضور نیروهای آمریکایی مقررات ویژه‌ای وضع کرده‌اند. نیروهای آمریکایی در صورت نقض قوانین محلی با پیگرد قضایی روبه‌رو خواهند شد و برخی فعالیت‌ها نیز برای آنها ممنوع یا محدود شده است.

از جمله محدودیت‌های اعلام شده، ممنوعیت مصرف ماری‌جوآنا و انجام برخی تفریحات دریایی از جمله چتربازی متصل به قایق است. همچنین برای نیروهای آمریکایی محدودیت‌هایی در رفت و آمد به برخی مناطق پاتایا اعمال شده و حضور آنها در خیابان‌هایی که به فعالیت‌های مرتبط با فحشا شهرت دارند، با ممنوعیت مواجه شده است. رئیس پلیس پاتایا نیز صراحتاً هشدار داد نیروهای آمریکایی در صورت نقض قوانین تایلند، بر اساس قوانین این کشور تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

که نه چشم‌انداز روشنی از پایان مأموریت داشتند و نه امکان بازگشت به خانه برای آنها فراهم بود.

■ حملات ایران و غیرممکن شدن زنجیره پشتیبانی

یکی از عوامل مهم این فرسایش، حملات متقابل ایران در طول جنگ بود. حملات نیروهای مسلح ایران به مواضع و زیرساخت‌های نظامی آمریکا در منطقه، از جمله حملات به مراکز مهم پشتیبانی و فرماندهی آمریکا در خلیج فارس، عملاً محیط عملیاتی نیروهای آمریکایی را غیرممکن و محدود کرد.

در این میان، حملات ایران به مقر ناوگان پنجم نیروی دریایی آمریکا در بحرین اهمیت ویژه‌ای داشت. ناوگان پنجم یکی از اصلی‌ترین ستون‌های حضور دریایی آمریکا در منطقه است و بحرین نیز یکی از مهم‌ترین مراکز پشتیبانی و فرماندهی واشگتن در خلیج فارس محسوب می‌شود و در نتیجه، هرگونه اختلال در این شبکه، مستقیماً بر قابلیت پشتیبانی از شناورهای آمریکایی اثر می‌گذارد. به همین دلیل، وضعیت اسفبار ناو لینکلن را نمی‌توان جدا از نتایج ضربه به شبکه لجستیکی آمریکا در خلیج فارس ارزیابی کرد. در نهایت، آمریکا ناچار شد این ناو را از منطقه خارج کند؛ نه به تصویری از یک ناو پیروز که پس از پایان مأموریت در حال بازگشت به پایگاه اصلی خود است، بلکه با توقیفی چند روزه در تایلند تا بخشی از نیازهای انباشته آن برطرف شود.

■ تروریست‌هایی که می‌گویند این بدترین مأموریت‌شان بود

شاید مهم‌ترین بخش ماجرا، نه مقررات تایلند، بلکه صحبت‌های خود ملوانان باشد. گزارش‌های منتشرشده از سوی روزنامه انگلیسی گاردین و ایندپندنت نشان می‌دهد مأموریت طولانی ناو هواپیمابر آبراهام لینکلن فشار قابل توجهی بر خدمه وارد کرده است. یک خبرنگار شبکه ام‌اس‌ان بی‌سی که با شماری از ملوانان گفت‌وگو کرده، می‌گوید بسیاری از آنها این مأموریت را بدترین مأموریتی دانسته‌اند که تاکنون تجربه کرده‌اند.

مثلاً یکی از ملوانان شرایط زندگی روی ناو را به گرفتار شدن در اتاق خواب همراه با تمام اعضای خانواده تشبیه کرده؛ فضایی فشرده که در آن هزاران نفر باید ماه‌ها در یک محیط محدود زندگی و کار کنند.

البته مشکل فقط محدودیت فضا نبود. کمبود مواد غذایی تازه، به‌خصوص میوه و سبزیجات نیز گزارش شده است. حتی یکی از ملوانان از تجربه خوردن گوشت و سیب‌زمینی خام سخن گفته است.

با این حال، حتی روایت ملوانانی که از مأموریت دفاع می‌کنند نیز نشان می‌دهد شرایط عادی نبوده است. برخی از آنها گفته‌اند در دوره «ریتم جنگی» امکان استراحت و تأمین مجدد شرایط عادی وجود نداشته و کاهش کیفیت زندگی را نتیجه مستقیم شرایط جنگ می‌دانند.

یکی دیگر از ملوانان تروریست ارتش آمریکا گفت سخت‌ترین بخش مأموریت، «دامه دادن و حفظ روحیه» بود.

در همین حال گاردین گزارش داد ارتش آمریکا مصاحبه ملوانان با رسانه‌ها را منع کرده و این روزنامه برای محافظت از این ملوانان، نام آنها را تغییر داده است.

■ مشکل فقط خدمه نیست؛ خود ناو هم فرسوده شده

علاوه بر اینها، تصاویر منتشرشده از ورود آبراهام لینکلن به تایلند، بدنه‌ای را نشان می‌دهد که بخش‌های گسترده‌ای از آن دچار زنگ‌زدگی شده است. کارل شوستر، افسر سابق نیروی دریایی آمریکا به سی‌ان‌ان گفت زنگ‌زدگی در امتداد خط آب برای شناوری که بیش از ۶۰ روز به طور مستمر در دریا بوده، غیرعادی نیست اما نکته مهم این است که رفع این مشکل در شرایط عملیاتی آسان نیست. شوستر زنگ‌زدگی را به یک بیماری مسری تشبیه کرد که اگر به‌موقع مهار نشود، گسترش می‌یابد و در نهایت می‌تواند استحکام سازه‌های فلزی را تحت تأثیر قرار دهد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا پیش‌تر نگرانی‌ها درباره وضعیت آبراهام لینکلن را کم‌اهمیت جلوه داده و گفته بود مدت استقرار آن «صلاً به اندازه کافی طولانی نبوده است» اما تصاویر منتشرشده از ناو و سخنان ملوانانی که ماه‌ها در آن زندگی کرده‌اند، روایت دیگری را پیش چشم افکار عمومی قرار داد.